

گل‌های یادبود جانباختگان دهه ۶۰ شکوفه زدند و غنچه دادند

نزدیک به سه دهه از کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی به دست دژخیمان جمهوری اسلامی می‌گذرد. در طی این دوران، یاران و خانواده‌های جانباختگان، همواره در غم و اندوه از دست دادن عزیزان شان در زیر سخت‌ترین ضربات روحی و روانی به سر برده‌اند. آنان برای یافتن کوچک‌ترین نشانی از فرزندان خود، به تمام ادارات رجوع کرده و خاک خاوران‌ها، دیگر گورستان‌ها و گورهای دسته‌جمعی را با چنگ و دندان خویش شخم زده‌اند.



یادمان نمی‌رود که مسئولان زندان‌ها، پس از ماه‌ها اعدام، خانواده‌ها را احضار کرده، بی‌آنکه آرامگاه فرزندان‌شان را بگویند، پول تعداد تیرهایی را که قلب و جان آنان را سوراخ کرده بودند، می‌گرفتند و ساعت و عینک‌جان‌باخته را می‌دادند و به مادران داغدار قوطی شیرینی تعارف می‌کردند. رژیم فاسد جمهوری اسلامی به مرده‌های این مبارزان هم رحم نکرد.

امروز یکی از آدم‌کشان جنایتکار الهه، به نام حمید نوری، معروف به حمید عباسی، به عنوان حلقه کوچکی از این زنجیر مرگ، در سوئد دستگیر و در چنگ عدل و داد گرفتار شده است.

این کار بزرگ که برای نخستین بار در عمر ننگین رژیم ایران اتفاق افتاده است، به کوشش فرزندان دلیر و جان‌به‌سالم بردگان از مرگگاه خمینی، آقایان ایرج مصداقی و کاوه موسوی و تعدادی از ایرانیان آزادی‌خواه داخل کشور رخ داده است.

با سپاس از همه ایرانیانی که موفق شده‌اند، در بازداشت یکی از جانیان اسلام ناب محمدی به دادستانی و دادگستری سوئد کمک کنند، جا دارد به مادران، پدران، همسران، فرزندان، خواهران و برادران همه جانباختگان در این دوره ۴۰ ساله عمر ننگین حکومت ضد انسانی، شادباش بگوییم.

ما از همه آنانی که به دستان یا به دستور این شکنجه‌گر، آسیب دیده‌اند و می‌توانند در دادگاه استکهلم شهادت بدهند، درخواست می‌

کنیم، جدا از اختلافات سازمانی و حزبی و ایدئولوژیکی، به وظیفه انسانی خود عمل کرده و با هم همکاری کنند تا تکه‌های پازل جنایات رژیم در کنار هم چیده شوند.

از همه هم وطنان در سراسر جهان می‌خواهیم که به این موضوع مهم حساس باشند و روند دادگاه را دنبال کرده با کمک‌های مالی خود برای هزینه‌های وکلا و رفت و آمد های شاهدان، کوشندگان این پرونده، به ویژه آقایان مصداقی و موسوی را تنها نگذارند.

آذربایجان را از شعارهای منحرف پاک کنیم!

فرزندان بابک خرم‌دین، ستار خان، باقر خان، حیدر عموقلی و احمد کسروی... که با خون خود نهال آزادی و استقلال ایران را آبیاری کرده‌اند، هرگز اجازه نخواهند داد عده‌ای ناآگاه به دلیل نفرت از جمهوری اسلامی، نام آذربایجان، سنگر آزادی و قیام و یکپارچگی ایران را با شعارهای انحرافی، نسنجیده، تفرقه انداز و کینه توزانه نسبت به هم وطنان کرد ما لکه دار سازند و خود را به حکومت عقبمانده خلافت عثمانی اردوغان یا خمینی بدون عبا و عمامه بچسبانند.

ورزش برای ایجاد و بالا بردن دوستی‌ها و زندگی مسالمت آمیز مردمان گوناگون دنیا در کنار هم است. ورزشکاران، مربیان و تماشاچیان هرگز ورزش را سیاسی نمی‌کنند. روح ورزش مبارزه با تبعیض است. ورزشگاه‌ها جاهای مقدسی هستند که نژادپرستی و کشت تخم کین و نفرت را در آن‌ها، جایی نیست.

شعارهای انحرافی چند نفر نادان و منحرف و مزدور را به حساب مردم آذربایجان نگذاریم.

«جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران» هر گونه عمل ناشایست

سمپاشی توهین و نفرت به ملیت ها و قوم های ایرانی و جهانی را شدیداً محکوم می کند.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۲۴ آبان ۱۳۹۸ برابر با ۱۴ نوامبر ۲۰۱۹

اعلامیه در همبستگی با مبارزات مردم ایران

هیئت هماهنگی همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

برکن ز بن این بنا، که باید

از ریشه بنای ظلم برکند

زین بی‌خردان سفله بستان

داد دل مردم خردمند

مردم آزادی خواه ایران!

حاکمیت مستبد و واپسگرای جمهوری اسلامی چهار دهه پیش با تصاحب انقلاب مردمی ایران و با وعده رایگان نمودن آب و برق و... بر سر کار آمد، اینک بعد از چهار دهه، نه تنها آب و برق رایگان نشده، بلکه آمار فقر، بیکاری، تورم فساد و اعتیاد سر به فلک کشید است. ایران اینک رکورد دار اعدام، شاخص فلاکت، فساد سیستماتیک دولتی، تن فروشی و فروش اعضای بدن، خودکشی و خودسوزی، در سطح منطقه و در مواردی حتی در جهان است.



جاه طلبی و لجاجت های ابلهانه خامنه ای به عنوان سرکرده این نظام

واپسگرا و قرون وسطائی در رابطه با برنامه های اتمی و موشکی و دخالت در کشورهای دیگر از طریق مزدور پروری از یکسو میلیاردها دلار از ثروت مردمان ایران را بر باد داد و از سوی دیگر ایران را در سطح جهان در انزوای کامل سیاسی و اقتصادی قرار داد است و بین کشورهای همسایه نیز علی رغم موقعیت خاص تاریخی و فرهنگی، رژیم حاکم بر ایران به منفورترین نظام حاکم در منطقه بدل گشت، تا جایی که نمود آن را در اعتراضات مردم عراق و لبنان و ... به وضوح شاهد هستیم.

سیاستهای سودجویانه حاکمان جمهوری اسلامی، اقتصاد کشور را به ورطه نابودی کشاند و دولت در کنترل امور به بن بست رسید است، با ادامه این روند حاکمان ناتوان از تامین مخارج خود خواهند بود، در چنین شرایطی نظام در آخرین تلاشش برای تامین هزینه های خود و ایادیش با افزایش سیصد درصدی قیمت بنزین دست درجیب مردم بی بضاعت نمود، تا با هزینه کردن از جیب آنان چند صباحی دیگر به عمر منحوسش ادامه دهد، غافل از اینکه کاسه صبرمردمان ایران دیر زمانه نیست که لبریز شد و آتش خشمشان مترصد جرقه ای است تا بساط جور ظالمان را بسوزاند.

طی روزهای گذشته افزایش ناگهانی قیمت بنزین بهانه ای شد تا مردم جان بر لب رسیده ایران در اقصی نقاط کشور یکبار دیگر بپاخیزند و حقوق پایمال شده شان را مطالبه نمایند، اما رژیم بجای تمکین به خواسته های مردم با به خشونت کشاندن اعتراضات مدنی و سرکوب آنها سعی در فرافکنی و ارتباط دادن آن با قدرت های خارجی است، اخبار منتشر شده حکایت از کشته شدن ده ها و زخمی شدن صدها نفر از مردم با شلیک مستقیم نیروهای مزدور رژیم دارد، سرکوب ها در مناطق حاشیه ایی ایران بسیار خشن تر بود و بخشهایی از کردستان، آذربایجان و شهرهای عرب نشین عملا ملیتارین شد و حکومت نظامی برقرار است.

در روزهای اخیر حاکمان جمهوری اسلامی ارتباطات شبکه های اینترنتی را قطع کرده اند، تا شاید از ارتباط مردم با دنیای خارج و رسیدن اخبار به گوش جهانیان مانع شوند، همچنین خامنه ای صبح یکشنبه ۲۶ آبان از افزایش قیمت بنزین دفاع کرد و این اقدام را " تصمیم سران قوا به پشتوانه کارشناسی" دانست و تاکید کرد از آن پشتیبانی می کند و این تصمیم "طبعاً باید اجرا شود".

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران ضمن اعلام پشتیبانی قاطع

ازخیزش اخیر مردم ایران، سرکوب و کشتار مردم بی پنا را بشدت محکوم میکند و بر این باور است که تنها راه نجات جامعه ایران از جنگ، آشوب و نابسامانی، سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق حاکمیت مردم در یک نظام سیاسی فدرال منطبق بر موازین شناختی شد حقوق بشری است، و بر همین مبنا بر این باور است که:

۱- همبستگی هرچه بیشتر مردم در هم نقاط ایران و تدوام اعتراضات مسالمت آمیز آنها تا بزانو درآمدن نظام جمهوری اسلامی و تحقق خواست هایشان، حق مسلم مردم است.

۲- حاکمیت باید به خشونت ها پایان دهد و به حق حاکمیت مردم تمکین کند، آمران و عاملان کشتار مردم باید بعنوان عاملان جنایت علیه بشریت در دادگاه صالح مردمی محاکمه شوند. جمهوری اسلامی از هیچ گونه مشروعیتی برای ادامه حاکمیت در ایران برخوردار نیست و سرنگونی اش حق مسلم و طبیعی مردمان ایران است.

۳- اپوزیسیون جمهوریخواه، دموکرات و آزادیخواه خارج از کشور با همصدایی و همگرایی هرچه بیشتر صدای رسای مردم بپاخواستن ایران باشد و با صدور بیانیه های مشترک و برگزاری تجمعات اعتراضی در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و مراکز شهرها در کشورهای اروپایی به پشتیبانی مردم، متحدن پردازد.

۴- مجامع جهانی و بین المللی می بایست با افزایش فشار بر نظام جنایت کار جمهوری اسلامی، مانع از برخورد قهرآمیز و سرکوب خونبار اعتراضات مسالمت آمیز مردم شوند و حاکمیت ضد مردمی در ایران را مجبور به تمکین به خواست مردم کنند.

همبستگی برای آزادی و دموکراسی در ایران باورمند به دموکراسی، آزادیهای اجتماعی و حق حاکمیت مردمان ایران است. از این رو جمهوری اسلامی را سدی در راه پیشرفت و تحقق حقوق مردم و آینده ای بهتر برای نسلهای آینده ایران می داند.

هیئت هماهنگی همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

۲۶ آبان ۱۳۹۷ — ۱۷ نوامبر ۲۰۱۹

پیروز باد جنبش دمکراسی خواهانه مردم ایران



یکبار دیگر خیزش جدید مردمی علیه جمهوری اسلامی در ایران شکل میگیرد. در بیش از 50 شهر، توده های مردم در اعتراض به گرانی بنزین و تداوم استبداد و ناعدالتی بپا خواسته اند. آنها با توجه به وجود محرومیت و تنگدستی در میان اکثریت جامعه، بویژه در میان کارگران و تهی دستان، افزایش سه برابری قیمت در بنزین را غیر قابل تحمل دیده، در روزهای 24 و 25 آبان (24 و 25 نوامبر) شورش حق طلبانه خود را در برابر استبداد و استثمار آغاز نمودند. برخی از نهاد های حکومتی و بخصوص موسسات مالی و بانکی به آتش کشیده شده و مردم در برخی از شهر ها خاموش کردن خودروها و عدم خرید بنزین را فریاد میزنند.

مسئولین نظام و از جمله رئیس جمهور حسن روحانی ، ریاکارانه

افزایش قیمت را به نفع اقشار تهی دست میداند و نیروهای انتظامی به سرکوب تظاهر کنندگان پرداخته اند. اما جنبش اعتراضی با طرح شعارهایی همچون "بنزین گرانتر شده، فقیر فقیر تر شده"، "دیکتاتور حیا کن، مملکت را رها کن" با حضور گسترده در خیابان ها، بستن معابر و روشن کردن آتش با خشونت حکومتی مقابله میکنند. شکی نیست که مردم ایران، آگاه به وجود خیزشهای آزادیخواهانه و عدالتجویانه مردمی در منطقه خاورمیانه و در همبستگی با اهداف مترقی از سوی خلق های جهان، در برچیدن جمهوری اسلامی در راستای ایجاد جامعه دمکراتیک و انسانی پیروز میشوند.

کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران-شیکاگو

dadvar@comcast.net

17 نوامبر 2019

**در دوره‌ی بی عدالتی، زندانی و
غیر زندانی بودن
«اهمیتی» ندارد**

مصاحبه



نسرین ستوده

زندانی سیاسی ، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر

با نشریه‌ی فرانسوی لوبس L'Obs

نسرین ستوده، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر، در مصاحبه‌ای مکتوب با یک نشریه فرانسوی در خصوص وضعیت کنونی در ایران گفته است، در دوره بی عدالتی زندانی و غیر زندانی بودن «اهمیتی» ندارد.

نسرین ستوده در این گفت‌وگو که پنجشنبه در تازه‌ترین شماره هفته‌نامه لوبس، چاپ پاریس به چاپ رسیده در خصوص وضعیت زندان ۱۷ ماهه خود گفته است: «در ایران، چه در داخل یک زندان زندگی کنیم چه در خارج از آن، همیشه محبوس هستیم [...] شاید فکر کنید که اغراق می‌کنم، اما زمانی که نگرانی ما فقدان عدالت در جامعه است، داخل زندان بودن یا خارج از آن، اهمیتی ندارد.»

به گفته هفته‌نامه لوبس مصاحبه با وکیل مدافع حقوق بشر زندانی در ایران به صورت مکتوب انجام شده است.

نسرین ستوده به اتهام‌های «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علیه نظام، عضویت موثر در گروهک غیرقانونی و ضد امنیتی کانون مدافعان حقوق بشر، لگام (حذف اعدام) و شورای ملی صلح، تشویق مردم به فساد و فحشا و فراهم آوردن موجبات آن و ظاهر شدن بدون حجاب شرعی در محل شعبه بازپرسی، اخلال در نظم و آسایش عمومی و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» جمعاً به ۳۳ سال حبس و تحمل ۱۴۸ ضربه شلاق محکوم شده است. با این حال طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در ایران از این مدت ۱۲ سال آن «قابلیت اجرا دارد».

نسرین ستوده از زندان اوین: مجازات‌ها خیلی سنگین‌تر از قبل شده است

نسرین ستوده، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر، در مصاحبه‌ای مکتوب با یک نشریه فرانسوی در خصوص وضعیت کنونی در ایران گفته است، در دوره بی‌عدالتی زندانی و غیر زندانی بودن «اهمیتی» ندارد.

نسرین ستوده در این گفت‌وگو که پنجشنبه در تازه‌ترین شماره هفته‌نامه لوبس، چاپ پاریس، به چاپ رسیده در خصوص وضعیت زندان ۱۷ ماهه خود گفته است: «در ایران، چه داخل زندان زندگی کنیم چه در خارج از آن، همیشه محبوس هستیم [...] شاید فکر کنید که اغراق می‌کنم، اما زمانی که نگرانی ما فقدان عدالت در جامعه است، داخل زندان بودن یا خارج از آن، اهمیتی ندارد.»

به گفته هفته‌نامه لوبس مصاحبه با وکیل مدافع حقوق بشر زندانی در ایران به صورت مکتوب انجام شده است.

نسرین ستوده در ادامه این مصاحبه گفته است: «من نمی‌توانم حسرت آزادی‌ام را بخورم، زیرا جامعه ایران چنین آزادی را تجربه نمی‌کند. تحمل کار کردن به عنوان یک وکیل زن در دادگاه‌های قضایی غیرمنصفانه، زجرآورتر از تحمل زندان است.»

نسرین ستوده با تاکید بر این که فضای سیاسی کنونی ایران «رادیکال» شده و مجازات‌ها نیز خیلی «سنگین‌تر» از قبل شده، اضافه کرده است: «در بند زنان سیاسی زندان، تعدادی از آنان به جاسوسی متهم هستند، امری که تازگی دارد.»

این فعال حقوق بشر همچنین در بخش دیگری از این گفت‌وگو در پاسخ به این پرسش که دلیل اصلی آخرین بازداشت او چه بوده، به امضا کردن «طومار برای درخواست یک رفراندوم درباره حکومت جمهوری اسلامی، در کنار دیگر فعالان داخل و خارج از کشور» اشاره می‌کند.

نسرین ستوده اضافه کرده است که «به عنوان یک وکیل، دفاع از چندین دختر خیابان انقلاب» را پذیرفت که معترض به حجاب اجباری در جمهوری اسلامی ایران بودند. عضویت در کمپین لگام (لغو گام به گام اعدام) نیز یکی از فعالیت‌هایی است که خانم ستوده به عنوان دلیل بازداشت خود برشمرده، اما تاکید کرده که این «حق» او بوده که درباره این فعالیت‌ها با رسانه‌ها گفت‌وگو کند.

این وکیل زندانی تاکید کرده است: «بر اساس قانون، هیچ کدام از این فعالیتها جرم نیست، اما قدرت در ایران اینها را تحمل نمی‌کند، و به خود اجازه می‌دهد کسانی را که دست به چنین فعالیتی بزنند، به صورت غیرقانونی تحت تعقیب قرار دهد.»

نسرین ستوده در پاسخ به این که چرا مسئله حجاب برای حکومت ایران به این اندازه بنیادین است، گفته که این سوال را باید از جمهوری اسلامی پرسید که «چرا بقای خود را با این سماجت، بر چنین اصلی بنا نهاده است.»

او سپس درباره هم‌بندهایش گفته که با گیتی پورفاضل، یک وکیل دیگر در یک بند است که ۷۵ سال دارد و به خاطر دفاع از قربانیان نقض حقوق بشر زندانی شده است.

نسرین ستوده اضافه کرده که خیلی از هم‌بندی‌هایش زنانی هستند که به دلیل مبارزه علیه حجاب اجباری به زندان افتاده‌اند: «ما اکنون ۴۴ زندانی زن در یک بند هستیم. یک رقم بی‌سابقه از هشت سال پیش که این بند ساخته شده است.»

نسرین ستوده با تاکید بر این که فضای سیاسی کنونی ایران «رادیکال» شده و مجازات‌ها نیز «سنگین‌تر» از قبل شده، اضافه کرده است: «در بند زنان سیاسی زندان، تعدادی از آنان به جاسوسی متهم هستند، امری که تازگی دارد.»
دلایل بازداشت

این فعال حقوق بشر همچنین در بخش دیگری از این گفت‌وگو در پاسخ به این پرسش که دلیل اصلی آخرین بازداشت او چه بوده، به امضا کردن «طومار برای درخواست یک رفراندوم درباره حکومت جمهوری اسلامی، در کنار دیگر فعالان داخل و خارج از کشور» اشاره می‌کند.

جنبشهای سرتاسری و اعتراضات مردمی در عراق و لبنان و پیامدهای آن در ایران

امین بیات



مردمان هر دو کشور بخصوص جوانان از زن و مرد که متحد و یکپارچه به خیابان آمده اند، و شعار اولیه اشان علیه دولتهای حامی فساد، رشوه خواری و دزدیدن ثروت مردم، رواج بیکاری و فقر روز افزون بوده اند، امروز اما تبدیل به شعار تغییر بنیادی و گذراز هر دو هیئت حاکمه رژیمهای فاسد، رسیده اند.

جوانان معترض و فداکار از جان گذشته از زن و مرد عراقی و لبنانی به درستی پی به عملکرد دخالتگرانه ی عوامل جمهوری اسلامی و بخصوص سپاه قدس در امور داخلی کشورشان، برده اند، و محور اصلی شعار های آنان مستقیما رهبران فاسد، دزد و دخالتگر جمهوری اسلامی را نشانه گرفته اند و خواهان خروج سپاه قدس و عوامل سرکوبگر آنها از عراق و لبنان، شده اند، اما این کل ماجرا نیست.

مزدوران، قلم بدستان و جنگ طلبان و متجاوزین به حقوق مردم ایران کیهان تهران خطاب به مردم عراق که " بروید و سفارت آمریکا را تصرف کنید"، مواجه شد با روزی که سفارت آمریکا در تهران به تصرف مشتی تروریست در آمد که هنوز پس از سالها مردم ایران از عواقب آن رها نشده اند، اما مردم عراق آگاهانه جواب مثبت به نویسندگان کیهان تهران دادند و بجای تصرف سفارت آمریکا، کنسولگری جمهوری اسلامی را تصرف کردند و آنرا به آتش کشیدند، و بر سر در آن نوشتند که، تعطیل شد.

در حقیقت سیاست چپاول و حراج ثروت ملی مردم ایران و بذل و بخشش و مصرف آن در عراق و لبنان با آرزوی تسلط سپاه قدس تروریست و حزب الهی بر جان و مال عراقیها و لبنانیها وجه المسالحه قرار گرفتن دولتهای مزبور بوسیله عوامل سرمایه و اسلامیستها با وعده و پرداخت پول به آنها، جواب منفی به دست اندر کاران جمهوری اسلامی و سپاه قدس داد، و موجب شکست مفتضحانه آنها در افکار عمومی مردم عراق و لبنان، جهان و بخصوص مردم ایران گشت، و زبان زد خاص و عام گردید. هزینه کردن سالها ثروت ملی ایرانیان توسط جمهوری اسلامی برای ساختن بیمارستان، مدرسه، خانه و جاده، گنبد طلا و قاچاق اسلحه و... در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن نیز نتوانست از میزان خشم مردم این کشورها نسبت به جمهوری اسلامی بکاهد بلکه این اعتراضات "احیای تمدن اسلامی" رانقش بر آب کرد.

سرمداران حزب الهی ایران عقب مانده با توجیه وقیحانه ی اشتباهات خود، چه در مورد تصرف سفارتخانه های خارجی (آمریکا، انگلیس، عربستان) و نه پذیرفتن بارمسئولیت منفی اینگونه بحران آفرینیها، که سنگینی بار آن بر دوش مردم از لحاظ اقتصادی، بیکاری، فقر و ورشکستگی کمر شکن است، اما آنها به شانتاژ های خود ادامه میدهند. در طی چهار سال حکومت ننگین ملاها بارها به سفارت خانه های کشورهای دیگر حمله کردند و با صدای بلند از تریبون های رسمی کشور از این رفتار شنیع دفاع هم کردند. سیاست های توسعه طلبانه جمهوری اسلامی در منطقه با شکست مواجه شده است، ما ایرانیها از عملکرد مردم عراق نسبت به تصرف کنسولگری جمهوری اسلامی و آتش زدن پرچم جمهوری اسلامی و لگد مال کردن عکسهای سید علی و خمینی، نه اینکه ما را ناراحت نکرد بلکه به آنها اعتراض هم نداریم و حتی خوشحال هم نشدیم، زیرا نه آن کنسولگری خانه ما بود، و نه آن پرچم خرچنگی حزب الهی پرچم ایرانیا ن، بود، اما با پرچم آتش زدن و از دیوار سفارت بالا رفتن هیچ ملتی به رفاه و آزادی نرسیده، نمونه ی بارز این ماجراجویی توسط تروریستهای حزب الهی جمهوری اسلامی اتفاق افتاد و هنوز هم تاوان آنرا مردم ایران پس میدهند.

فساد روز افزون در جمهوری اسلامی و مافیای قدرت در هر دو جناح ساختگی ادامه دارد، اما قوه قضائیه ادعا میکند که علیه آن در حال مبارزه میباشد و این در حالیست که خود شریک دزدها است، و به برگزاری نمایشهای دروغین بعنوان برگزاری دادگاههای مفاسد اقتصادی از تلویزیون ایران پخش میکنند، و در این ارتباط به تسویه حسابهای

داخلی می پردازند، در حقیقت برای انحراف افکار عمومی جنگ حیدری نعمتی راه انداخته اند.

با بررسی اینکه جنگ داخلی در سوریه که ایران آتش بیار معرکه آن بود و باعث کشتار هزاران جوان سوریه ای شد و اکنون در حالت آرامش نسبی و آتش بس بسر میبرد، افکار عمومی در سوریه و دست اندر کاران جنگ داخلی در سوریه میگویند نیروهای خارجی باید از سوریه بیرون بروند، دلیلشان هم این است که این نیروها چه از لحاظ سیاسی و اقتصادی، نظامی سوریه را به این روز انداخته اند که فقر، بیکاری و خانه خرابی، آوارگی به اوج خود رسیده که نتیجه جنگ داخلی است، اما این آتش بیاران جنگ داخلی در سوریه اکنون دست اندر کار دخالت و دامن زدن به جنگ داخلی در عراق و لبنان شده اند، برای تحقق اهداف شوم خود، در یکطرف آمریکائی ها و شرکاء جهت گسترش سلطه ی خود بر چاه های نفت پافشاری میکنند و از جانب دیگر روسیه در تلاش معاش و ایران در جهت گسترش امپراطوری اسلامی، میباشند.

اعتراضات در لبنان و عراق بطور گسترده و فزاینده در حال پیشروی تارسیدن به خواسته هایشان که در راس آنها گذر از حاکمیت های وابسته است، میباشد، رویدادهای مختلفی که امروز در عراق و لبنان باعث نفوذ روز افزون ایران گردیده و باعث نزدیکی سپاه قدس با نیروهای حزب الله و تروریست شده، ایستادن مردم جلوی نفوذ ایران و جلوگیری از نیروهای حزب الهی داخلیشان در تغییر و تحولات داخلی دولت هایشان بوضوح دیده میشود.

روی هم رفته اعتراضات در عراق و لبنان به تضعیف حزب الله و نیروهای مسلح آنها در پوشش "حشدالشعبی" و "سپاه پاسداران"، "حزبالله لبنان" شده است، والبته قابل ذکر است که دولت عراق و کردهای درون دولت عراق نیز در کشتار نزدیک به سیصد نفر، نیزسهمینند.

اما افزایش اعتراضات در عراق و لبنان موجب این نیز شده که سپاه پاسداران چاره اندیشی کند و دامنه ی دخالت در عراق و لبنان را افزایش داده و به فساد و سوء مدیریت و همچنین دخالت در قدرت دولتی، مطالبات بحق مردم عراق و لبنان را منحرف سازند و سعی میکنند که سیاست جنگی حاکم بر سوریه را در عراق و لبنان پیاده کنند، یعنی ایران بعنوان حامی شیعیان در عراق صف آرائی در مقابل سنی ها انجام دهند و البته مردم بخوبی دست این

جانیان را خوانده اند.

سپاه پاسداران با حراج ثروت ملی مردم ایران و بذل و بخشش آن بین "حشدالشعبی" عراق و "حزب الله" لبنان و همچنین حوثی های یمن ، چنین وانمود میکنند که اختیار وعنان این نیروها در دست سپاه تروریستی قدس است و میتواند در این سه کشور بوسیله آنها اهداف خود را به کرسی بنشانند و بسرکوب مردم معترض همت گمارد، مردم عراق و لبنان به این امر آگاهند و در مقابل نیروهای متحد و سرگوبگر سپاه قدس در کشورهای خود عمل میکنند، وبدنبال کسب خواستهای دمکراتیک خود در میادین بزرگ شهرها ایستاده اند و گول وعده های دروغین را نمیخورند.

آمریکائیه درعراق ولبنان خواستار تغییر این دولتها و به سرکار گماردن دولتهای جدید ووابسته تربخود میباشند، در حقیقت همسوئی ظاهری با تظاهر کننده گان در تغییر دادن دولتها همگامند اما تفاوت خواسته ها از زمین تا آسمان است مردم طالب آزادی، استقلال و حکومتهای ملی و غیر وابسته و لائیک هستند و خواهان قطع دست بیگانه ازسلطه بر نفت کشورشان میباشند واما آمریکائیه میخواهند با پیاده کردن نیرو تمام نفت منطقه را بچاپند.

عراقیه و لبنانی ها در یافته اند که جمهوری اسلامی ایران در این چهل سال سرنوشت مردم ایران را به تباهی کشید،البته اپوزیسیون و مردم ایران هم در این امر شریکند، که بهر حال در جو ترور وخفقان حاکم بر جامعه ی بعد از انقلاب ، نیروهای مردمی و سازمانهای مردمی نتوانستند بوظیفه خود عمل کنند، و گول امیال دروغین و ریاکارانه مذهبیها را خوردند.

علت و علل اصلی به پا خواستن مردم ایران و بخصوص در حال حاضر عراق و لبنان علیه دولتهای خود:

مردمان این کشورها بطور کلی خواهان توقف ثروت ملی در داخل کشورشان، مصرف آن در خدمت عامه و برای بهتر زندگی کردن میباشند، که در حال حاضر توسط دولتهای ایران ، عراق و لبنان چپاول میشود.

مردم عمدتا علیه ساختارهای نا مناسب قومی و مذهبی بپا خواسته اند، زیرا دریافته اند که مذهب و دخالت آن در دولت و زندگی خصوصی مردم، موجب جلو گیری از تشکیل یک دولت مدرن و لائیک میشود.

سؤال اینجاست که آیا اگر این دولتها بر کنار شوند، آیا جایگزین

مناسب در این کشور ها موجود است؟

امروزه البته تبلیغات سوء توسط افراد منفعت پرست مالی و کسب قدرت ، چنین وانمود میکنند که عوام را بفریبند البته با عوامفریبی مختص بخود که اگر این رژیمها بر چیده شوند جانشینی ندارند و اوضاع بد تر میشود.

در حال حاضر نا برابری ، بیعدالتی، بیکاری ظلم و تعدی در این کشور ها به اوج خود رسیده است، کیفیت زندگی ، شرایط زیستی بسیار پائین، فساد دولتی همه جا گیر ، نا کار آمدی دولتمردان بوضوح دیده میشود.

البته در موارد بر شمرده خیلی مسائل بین المللی و داخلی در بوجود آمدن این شرایط دخیل هستند.

نئولیبرالیسم با ابزار کافی و تبلیغات وسیع با سرمایه های هنگفت، نظم اینگونه جوامع را بهم ریخته و در ایجاد فساد عمومی و دولتی بسیار فعال و کوشا است، با برنامه ی ریاضت اقتصادی و پیاده کردن آن با تهدید و زور بعنوان متد های جدید برای" رفاه اقتصادی عمومی"، مردم را به گروگان و در خیلی مسائل گرفتار کرده ، تا اندکی رفاه توسط دست نشانندگان خود ایجاد کنند و در عوض کل ثروت ملی مردم این کشور ها را از جمله نفت ، گاز و ... را از آن خود کنند و منافع و درآمد هنگفت آنرا به زور ببرند، حاکمان دست نشانده و آگاه به نا کار آمدی را بر قدرت بگمارند تا نان بخور و نمیر بمردم بدهند و اصل داستان را از آن خود کنند.

البته فقرو فلاکت و بیکاری با برنامه از قبل تنظیم شده در کشور های صنعتی هم امکان پذیر است ، مانند شرایط حاکم بر اکثریت مردم فرانسه که توسط دولتمردان آنها رواج یافته و مردم فرانسه در قلب اروپا و مرکز "تمدن جهانی" هم گرفتار و بیکارند ، جوانها از رفاه نسبی بی بهره اند، البته قابل مقایسه با جوانان ایران ، عراق و لبنان که بین 30 تا 40 درصد بیکارند و امید به آینده را در طول زمان در سیستم های خود از دست داده اند و به خط فقر و حتی زیر خط فقر رسیده اند، نمیباشند.

در کل مردم اصلاحات سیاسی و رفاه همراه آزادی میخواهند و در اصل ولی در اثر عملکرد سرمایه داری و دخالت آنها در امورات داخلی کشورهای مزبور کار را به آنجا کشانده اند که مردم را به این نتیجه رسانده اند که این دولتها اصلاح پذیر نیستند ، همچنانکه

درايران نشد و سالها سر مردم و بخشي از اپوزيسيون را به اين وسيله گرم كردند و گول زدند، و ديري نخواهد كشيد كه زبانه هاي آتش اعتراضات و خشم مردم عراق و لبنان به ايران صرايط خواهد كرد و تار و پود اسلام سياسي را در هم خواهد پيچيد.

بهر حال بر خلاف نظر فرصت طلبان، اپوزيسيون چپ، مترقي، ملي و دمكرات ايران از زنان و مردان آب ديده و سياسي تشكيل شده است و البته هر فرد در زندگي سياسي هم مرتكب خطاهاي نا خواسته بوده است، بايد خطاها را بر شمرد و گوش زد هم كرد، و نبايد آنها را تكرر نمود، بلكه بصورت تشكّل هاي مختلف و با برنامه هاي متفاوت بايد مسئوليت خطاهاي گذشته را پذيرفت، و در كلّيت جلب اعتماد جنبشها را فراهم نمود كه بسيار در شرايط فعلي مهم مي باشد.

از آنجا كه رژيم جمهوري اسلامي و شبیه آن در عراق و لبنان ديگر مشروعيت سياسي و اجتماع و مذهبي در ميان مردمان اين کشورها ندارند و اعتبار نداشته اشان را بطور كلي از دست داده اند و به زير صفر رسانده اند،

پس اپوزيسيون در كل داراي هژموني آنها هم متفاوت مي باشند و در شرايط مشخصي و بطور نسبي اما مستقل ميتوانند و بايد در کنار مردم قرار بگيرند و جنبشها را بسمت دمكراسي، آزاديخواهي و رسيدن به عدالت و... سمت و سو دهند و مشتركا برنامه قابل پياده شدن و همسو براي آينده ايران پيشنهاد كنند.

مردمان ايران، لبنان و عراق بايد خود باور باشند و اين مهم را تبليغ كنند و به نيروي پر قدرت و لايزال خود اعتماد كافي داشته باشند و در مقابل به پوشالي بودن قدرت دولتهاي فاسد، هم نظر و متحد براي بر چيدن آنها همگام شوند.

مشروعيت معنوي و اخلاقي را دولتمردان مذهبي درايران و دولتهاي فرقه اي مذهبي در لبنان و عراق از دست داده اند و بهمين دليل مشروعيت خود را با زور، ترور، خفقان، شکنجه و زندان و تهديد معترضان به هدف قرار دادن گلوله و كشتار آنها به جو خفقان دامن ميزنند، جوامع مزبور و در كل مردمان معترض در صحنه مبارزه بايد جلوي نفوذ و كشتار توسط نظاميان را بگيرند و بدانند كه هيچ قدرتي نميتواند در مقابل اكثريت متحد مردم مقاومت كند، "پاسداران و بسيجي" و حزب الهی، "حشد الشعبی" و "حزب اله لبنان" كه جاي خود دارند.

امين بيات

06.11.2019

Bayat.a@freenet.de

<https://www.facebook.com/amin.bayat9>